



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

استان تهران

موضوع:

مختصات نثر بینابین در قرن های پنجم و ششم

بر اساس تاریخ بیهقی و تاریخ بلعمی

استاد راهنما:

دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور:

دکتر نرگس محمدی بدر

محقق:

سید محمد ترابی

زمستان ۱۳۸۸

چکیده:

موضوع این پژوهش ادبی، بررسی مختصات نثر بینابین و بیان ویژگی های آن با نگاهی به آثار منثور قبل و بعد از آن است. برای حصول این امر مقایسه تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی (به عنوان نمایندگان روشنی از نثر ساده و نثر بینابین) برگزیده شد. سبک و نحوه ی بیان و گزینش خاصی از واژه ها و تعبیر و عبارات در هر دو اثر بویژه (تاریخ بیهقی)، توجه خواننده را به خود جلب می کند. در این پژوهش با بیان مقدماتی از نثر، دو کتاب از دو نویسنده تاریخی که در تاریخ نگاری با هم مشترک هستند، انتخاب شده و پس از تحلیل محتوایی نثر، متن دو کتاب با هم مقایسه شده است.

مقایسه سبک شناسانه این دو اثر روشن می سازد که دو نویسنده در بسیاری موارد مضامین و تعبیر و بعضاً اصطلاحات مشترکی را به کار می برند اما با دقت در یکی از آن ها (تاریخ بیهقی) به نثر پخته و روانی بر می خوریم که درعین داشتن ویژگی های نثر مرسل دوره ی قبل، رگه هایی از نثر نو در آن نمایان است که تمایل دارد خود را به نثر دوره بعد که در حال تولد است، نزدیک کند یعنی همان نثر فنی.

با کمی تأمل می توان دریافت که اثر تاریخ نگار غزنویان، عمودی و روبه بالاست که درعین بهره بردن از نثر دوره پیشین به مرحله جدیدی از نثر قدم می گذارد.

او تاریخ خود را وسیله ای برای بیان نصیحت و عبرت قرار داده است، و فراتر از یک روایت کننده صرف، دستورات اخلاقی و اجتماعی به ما می دهد.

مورخ عصر سامانی بر محور افقی سیر می کند و در نوع خود خوب روایت می کند. (روایتی که با تشریح جزئیات و در قالب نثر ساده. ناگفته نماند نویسنده تاریخ بیهقی، خود بیهقی است که امور و رویدادهای اجتماعی را شاهد و ناظر است و یا از معتمدی ثقه شنیده است و حاصل کار بلعمی در واقع برگردان تاریخ نامه « طبری» است که اغلب موارد با حالت دانای کلی آن را روایت می کند.

واژگان کلیدی: نثر مرسل - نثر بینابین - تاریخ بیهقی - تاریخ بلعمی

کلیات تحقیق

تعریف مسأله و بیان سؤال‌هایی اصلی تحقیق:

حوادث تاریخی، اجتماعی و سیاسی ادوار مختلف به جز تأثیر و تأثری که بر نوع زندگی، فرهنگ و مسایل گوناگون زندگی یک ملت می‌گذارد تأثیر عمده و در خور توجهی بر انواع ادبی شیوه‌های نثر نویسی، انواع شعر و آرایه‌های ادبی مورد استفاده در این آثار دارد؛ اما قبل از تغییر کامل یک سبک و روی کار آمدن سبک جدید، سبکی به عنوان بنیابین به عنوان عامل پیوند دهنده میان سبک‌های کهنه و نو قرار می‌گیرد که از ویژگی‌های مشترک آن دو برخوردار است، یکی از سبک‌های ادبی بحث برانگیز که حد فاصل ۲ سبک قرن پنجم و ششم قرار گرفته است موضوع این پژوهش است که در نهایت به پرسش‌های محوری و بنیادی ذیل پاسخ دهد:

۱- زمینه‌های گذر از نثر مرسل به نثر فنی کدامند؟

۲- آیا تحولات اجتماعی و سیاسی دوران مورد پژوهش در تغییر سبک نثر فارسی مؤثر بوده است؟

۳- آیا مختصات نثر بینابین به عنوان سبکی مستقل در نثر فارسی قابل تحقیق است؟

۴- آیا تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی از مختصات نثر بینابین برخوردار است؟

۵- مختصات نثر بینابین در تاریخ بیهقی و بلعمی کدام است؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

در مورد انواع نثر و به ویژه نثر بینابین مطالعات فراوانی انجام شده است، اما درباره‌ی دلایل تغییر سبکی و ویژگی‌های بینابین این سبک و چرایی تغییرات عمده و اثر گذار آن کمتر سخن گفته‌اند. در این پایان‌نامه کوشش بر آن است که جنبه‌ی چرایی و علیت آن با تأکید بر آثار مطرح در این نثر مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد.

هدف‌های تحقیق:

۱- شناخت درست و منطقی انواع نثر به ویژه تاریخ بیهقی و بلعمی

۲- بیان نمونه‌هایی برای اثبات تغییر سبک نثر و نتایج این تغییرات در نثر دوره‌ی حاکم

۳- نقد نثر و شناخت عناصر تشکیل دهنده نثر بینابین

۴- رابطه ی نثر بینابین با نثرهای دیگر

روش کار:

تحلیل محتوا

چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است ؟

این تحقیق جنبه ی نظری دارد و می تواند در شناساندن برخی از جنبه های نثر (به ویژه در قرن پنجم و ششم) برای مؤسسات پژوهشی و پژوهشگران زبان فارسی در زمینه ی تاریخ ادبیات، سبک شناسی، محققان نثر فارسی و ... مفید باشد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

منابع و مآخذ مکتوب، فیش برداری، کتابخانه .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۴	فصل اول: کلیات
۱۵	مقدمه
۱۵	آغاز نثر فارسی
۱۵	۱- نثر مرسل (ساده)
۱۶	۱-۱- دوره ی سامانیان
۱۶	۱-۲- دوره ی غزنویان
۱۶	۲- نثر مرسل عالی
۱۶	۳- نثر مرسل بینابین
۱۶	۴- نثر مسجع موزون و فنی
۱۷	مختصات نثر در قرن پنجم و ششم
۱۷	۱- ترصیع ، ازدواج ، موازنه
۱۸	۲- سجع
۱۸	۳- مجاز
۱۸	کتب ترجمه ، تفسیر و رجال
۲۳	بخش اول (دوره های نثر پارسی)
۲۳	الف- معنی و مفهوم
۲۳	۱- رواج در دوره خاص
۲۵	ب) آثار نثر مرسل و موضوعات آنها
۲۵	۱-۱- کتب و آثار
۲۶	۱-۲- عوامل تغییر سبک

۲۷ ۲-۲- کتب و آثار این دوره
۲۸ فصل دوم: ویژگی های نثر مرسل
۲۹ ۱- از دیدگاه لغت
۲۹ ۱-۱- استعمال لغات زبان پهلوی
۳۰ ۲-۱- ساخت و استعمال اصطلاحات علمی پارسی به جای لغات عربی
۳۱ ۳-۱- کم بودن لغات عربی
۳۲ ۴-۱- استعمال لغات فارسی کهنه (غیر مهجور)
۳۲ ۵-۱- استعمال لغات فارسی کهنه (مهجور)
۳۲ ۲- سادگی متن
۳۴ ۳- ایجاز و اختصار
۳۵ ۴- از دیدگاه دستور
۳۵ ۴-۱- حروف و نشانه ها
۳۸ ۴-۲- فعل
۴۱ ۴-۳- مصدر
۴۲ فصل سوم: نثر دوره ی غزنوی و سلجوقی (تاریخچه و تحولات تاریخی آن)
۴۶ تقسیم بندی نثر این دوره :
۴۷ الف - نثر دوره ی اول (نثر مرسل عالی)
۴۷ تاریخ بیهقی
۴۹ ب- دوره ی دوم (نثر بینابین)
۵۱ فصل چهارم : نثر فنی مصنوع (بخش اول) ویژگی های نثر در قرن پنجم و ششم (دوره ی حکومت غزنوی و سلجوقی)
۵۳ الف- کاربرد صنایع لفظی و معنوی در نثر پارسی قرن پنجم و ششم

۵۳ ۱- صنعت ترصیع و ازدواج و موازنه
۵۵ ۲- سجع
۵۵ تاریخچه ی سجع
۵۷ خصوصیات سجع این دوره (قرن پنجم و ششم)
۵۸ سجع در آثار صوفیان
۵۹ ۱-۲- سجع متوازن
۶۰ ۲-۲- سجع متوازی
۶۱ ۳-۲- سجع مطرف
۶۱ ۳- کاربرد جناس در نثر قرن پنجم و ششم
۶۱ ۱-۳- جناس مضارع
۶۲ ۲-۳- جناس اشتقاقی یا اقتضاب
۶۲ ۳-۳- جناس زاید
۶۴ ب- صنایع معنوی (استعاره ، تشبیه ، مجاز ، کنایه)
۶۴ ۱- استعاره
۶۴ ۱-۱- استعاره ی مصرّحه
۶۴ ۲-۱- استعاره مکنیه
۶۵ ۲- تشبیه
۶۵ ۱-۲- تشبیه حسّی به حسّی
۶۵ ۲-۲- تشبیه عقلی به حسّی
۶۶ ۳- مجاز
۶۷ ۴- ترادف

۶۷ ۵- تضاد
۶۸ ۶- کنایه
۷۰ فصل پنجم : سایر ویژگی ها بی تأثیرگذار در پیدایش نثر بینابین
۷۱ ۱- ظهور تصوّف و ورود اصطلاحات آن در نثر پارسی
۷۱ ۲- کاربرد زبان و ادبیات عرب و فرهنگ اسلامی در نثر پارسی
۷۲ ۱-۲- قصّه ها و حکایت ها
۷۳ ۲- کاربرد فرهنگ اسلامی ، سیره ها و شعارهای اسلامی – عرفانی در آثار نثر پارسی
۷۴ ۲-۳- کاربرد آیات و احادیث و روایات در آثار این دوره
۷۶ ۲-۴- کتب دینی
۷۶ ۲-۵- از راه ورود ادبیّات عرب (اعمّ از دوره ی جاهلی یا اسلامی)
۷۷ ۳- کاربرد شعر در نثر پارسی قرن پنجم و ششم
۸۱ ۴- کاربرد ضرب المثل ها در قرن پنجم و ششم
۸۳ ۵- کاربرد لغات و اصطلاحات عربی
۸۳ الف- استفاده از کلمات مرکّب عربی فارسی
۸۴ ب- به کارگیری واژگان ساده ی عربی
۸۴ ج- کاربرد ترکیبات عربی
۸۶ ۶- فراموش شدن واژگان فارسی یا جابجا شدن نقش آن ها
۸۶ ۷- ساده کردن ویژگی های دستوری
۸۶ ۱-۷- به کاربردن فعل ها مرکب
۸۷ ۲-۷- کاسته شدن از انواع افعال مقاربه و افعال آغازی
۸۷ ۳-۷- از میان رفتن نشانه ی دوّم و تأکید متمّم یا مفعول ها

۸۷ برخی کتب و آثار نثر فنی مصنوع
۸۷ ۱- منشآت رشید و طواط
۸۷ ۲- مقامات حمیدی
۸۷ ۳- راحه الصدور و آیه السرور
۸۸ ۴- مرزبان نامه
۸۸ ۵- التوسل الی الترسل
۸۹	فصل ششم: مقایسه ی سبک شناسانه تاریخ بیهقی و تاریخ بلعمی با رویکرد نثر بینابین
۹۰ ۱- جمله های کوتاه و موجز
۹۱ ۱-۲- استفاده از ترکیبات عربی
۹۲ الف- جهان بینی تاریخ بیهقی
۹۳ ب- جهان بینی تاریخ بلعمی
۹۳ ۱- سبک نوشتن تاریخ بلعمی و بیهقی
۹۵ ۲- کاربرد حروف ربط
۹۶ ۳- رجحان تاریخ بیهقی
۹۷ ۴- عبارت های دعایی
۹۸ ۵- سرنوشت و عاقبت
۱۰۰ ۶- قهرمانان اصلی و فرعی
۱۰۰ ۷- هم گونی
۱۰۳ ۸- عدم مطابقت موصوف و صفت
۱۰۳ ۹- مقدم و مؤخر واقع شدن صفت شمارشی
۱۰۴ ۱۰- جمع بستن واژه های فارسی

- ۱۰۴ ۱۱- به کارگیری فعل های سوم شخص مفرد.....
- ۱۰۵ ۱۲- آوردن « اندر ».....
- ۱۰۶ ۱۳- آوردن « با » تأکید.....
- ۱۰۶ ۱۴- کاربرد « اینجا ».....
- ۱۰۷ ۱۵- استعمال علامت مفعول.....
- ۱۰۷ ۱۶- بسامد استعمال ماضی استمراری.....
- ۱۰۷ ۱۷- به کارگیری « ی » نکره.....
- ۱۰۸ ۱۸- حذف فعل.....
- ۱۰۸ ۱۹- آوردن « این » و « آن ».....
- ۱۰۹ ۲۰- آوردن اشعار عربی.....
- ۱۱۱ ۲۱- حرف اضافه « به ».....
- ۱۱۱ ۲۲- دو حرف اضافه برای یک متمم.....
- ۱۱۲ ۲۳- استفاده از صنایع معنوی.....
- ۱۱۳ ۲۴- به کارگیری ممیز.....
- ۱۱۳ ۲۵- اعداد در دو اثر.....
- ۱۱۴ ۲۶- فعل های مجهول.....
- ۱۱۵ ۲۷- استفاده از مصدر.....
- ۱۱۵ ۲۸- ذکر تاریخ واقعه یا رویداد.....
- ۱۱۶ ۲۹- کاربرد ضمیر شخصی متصل (ش).....
- ۱۱۷ ۳۰- ابزار و ادوات جنگی.....
- ۱۱۷ ۳۱- آوردن « ایدون » به جای « چنین ».....

۱۱۸۳۲- اگر به معنی «چه»
۱۱۹۳۳- مقدم شدن فعل بر نهاد و مفعول
۱۱۹۳۴- کاربرد واژه ی « نزدیک»
۱۲۰۳۵- استفاده از واژگان کهن
۱۲۰۳۶- به کارگیری شیوه خاص در استفاده از عبارات
۱۲۱۳۷- کاربرد اسامی با نشانه های جمع فارسی
۱۲۱۳۸- استفاده از ضمیر منفصل « اوی»
۱۲۲۳۹- فعل های پیشوندی
۱۲۲۴۰- استفاده از واژه ی « زینهار»
۱۲۲۴۱- اشاره مؤلف به جلد های کتاب
۱۲۳۴۲- آوردن دو قید
۱۲۳۴۳- مؤلف و غیر مؤلف
۱۲۴۴۴- داشتن « استادی» در نوشتن
۱۲۴۴۵- « بیهقی» جلوتر از تاریخ خود است
۱۲۵۴۶- اسم جمع « مردم»
۱۲۶۴۷- حرف ربط « تا» و « یا»
۱۲۶۴۸- استفاده از حرف ربط « که»
۱۲۷نتیجه گیری
۱۳۰منابع و مأخذ

فصل اوّل

کلیات

مقدمه

قرن پنجم و ششم هجری را می توان مهمترین دوره سیر تحول نثر پارسی نامید . نثرمرسل، نثر رایج قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری بود و با گذشت زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف در اواخر این قرن نشانه های نثر فنی در آن نمایان شد و از قرن ششم به بعد به تدریج جای خود را به نثر فنی داد . این در حالی بود که نثر بینابین به عنوان علامت شروع نثر فنی، دو دوره نثر مرسل (یا به عبارت بهتر نثر مرسل عالی) و فنی مصنوع را به یکدیگر پیوند داده و شاهدهی بر تغییر یک دوره به دوره دیگر است . پیدایش نثر فنی به معنی پایان نثرمرسل نبود و تا مدتها این سبک به موازات دیگر نثرها مورد استفاده نثر نویسان قرار می گرفت بدین ترتیب تاریخ نثر پارسی تغییرات زیادی را شاهد بوده و دوره های مختلفی را پشت سر گذاشته است.

پیدایش نثر پارسی

«با ورود اعراب و سلطه آنان بر ارکان سیاسی ، اجتماعی و نهایتاً فرهنگی ، خط ایرانیان به خط عربی تغییر یافت ایرانیان در ابتدا آثار خود را به نثری ساده می نوشتند و این امر تا اوایل قرن پنجم هجری پا برجا بود؛ طی این مدت اغلب آثار نویسندگان به عربی نوشته می شد، ولی برخی از آثار هنوز هم به فارسی نوشته می شد و حتی تعدادی از کتب عربی نیز به فارسی ترجمه شد . نفوذ زبان عربی در میان ایرانیان به دلیل کم سوادی آنان و عدم آشنایی با زبان عربی به کندی صورت می گرفت و این امر تا مدتها مانع رواج این نثر در ایران بود .نثر پارسی در طول قرنهای گذشته حوادث مختلفی را تجربه کرد، و تحت تأثیر عوامل مختلف، دوره های چندی را پشت سر گذاشت ، عمده ترین دوره های نثر پارسی عبارتند از : ۱ - نثر مرسل ۲- نثر بینابین ۳- نثر مسجع موزون و نثر فنی مصنوع ۴- نثر متکلف.» (صفا، ۱۳۷۰: ص ۸-۱۷، با تصرف و تلخیص)

۱ - نثر مرسل : مرسل یعنی بدون پیرایه و دور از هرگونه صنعت و آرایه ادبی به اعتبار اینکه نویسندگان آن در خلق آثار خود از هیچ صنعتی استفاده نمی کردند . این نثر از نظر تاریخی دو دوره حکومت سامانیان و غزنویان را در برمی گیرد:

۱-۱- دوره سامانیان :

این دوره روزگار حکومت شاهان ایرانی اصیل بوده است و از نویسندگان و شاعران حمایت‌های فراوانی صورت گرفته است. به همین دلیل بهترین آثار نظم و نثر ایران تا آن دوره در همین عصر تألیف شده است سامانیان به روش‌های مختلف مانند حمایت و تشویق از نویسندگان، شاعران و دانشمندان شرایط را برای حفظ حماسه های کهن ایران و داستانهای گذشته و خلق آثار بدیع و زیبا در رشته های مختلف علمی و ادبی ایجاد کردند .

۱-۲- دوره غزنویان :

نثر مرسل در این دوره نیز تا مدتها ادامه داشت، ولی تحت تأثیر عوامل مختلف و عمدتاً به دلیل بی مهوری سلاطین غزنوی و نفوذ زبان و لغات و شیوه نگارش عربی رفته رفته تغییر یافت و موجب پیدایش دوره های دیگری در نثر شد که عبارتند از : ۱ - نثر مرسل عالی ۲- نثر بینابین و نثر مسجع موزون و نثر فنی .

۲- نثر مرسل عالی : در اوایل دوره حکومت غزنویان ، نویسندگان آثار خود را به نثر ساده می نوشتند، ولی این نثر با نثر مرسل گذشته متفاوت بود زیرا به کمال خود رسیده بود، همان نثری که امروزه به عنوان مرسل عالی موسوم شده است؛ و در واقع مقدمه نثر بینابین به شمار می رفت . نامه های بونصر مشکان ، تاریخ بیهقی و آثاری چون سیاست نامه و قابوسنامه از جمله آثاری است که با این شیوه تألیف شده است.

۳- نثر بینابین : نثر برخی از آثار این دوره مانند کشف المحجوب هجویری ، چهار مقاله ، کلیله و دمنه و اسرارالتوحید با آثار دیگر دوره ها متفاوت است، تا آنجا که مقدمه آنها به صورت کاملاً فنی نوشته شده است .

۴- نثر مسجع و موزون و فنی : نثر این دوره خود به دو گونه متفاوت تقسیم می شود : نثر مسجع و موزون و نثر فنی مصنوع که شایسته بررسی و تعمق است. اسرار التوحید ، کشف المحجوب ، مناجات نامه ، کشف الاسرار، تذکره الاولیاء و مقامات حمیدی از جمله آثاری است که به زیور سجع و وزن آراسته شده است . در مقابل آثاری چون مقامات حمیدی ، التوسل الی الترسل ، مرزبان نامه و راحة الصدور و آیه السرور به شیوه نثر فنی نوشته شده است.

- ویژگی های نثر در قرن پنجم و ششم :

صرف نظر از آثاری چون تاریخ بیهقی ، سیاست نامه و قابوسنامه که به نثر بینابین نوشته شده است، نثر غالب این دوره را نثر بینابین تشکیل می دهد. نثری که در آثاری چون چهار مقاله، کلیله و دمنه، کشف المحجوب، اسرار التوحید و چند اثر دیگر متبلور شده و زمینه را برای ایجاد نثری کامل و زیبا به نام نثر فنی و مصنوع آماده ساخته است . عوامل مختلف، نثر این دوره را از سادگی و ایجاز خارج کرد . با ورود ابزارهای نوینی چون سجع ، موازنه ، جناس و آیات و احادیث ، شعر و حکایت به نثر پارسی، جملات و عبارات ها طولانی تر و مفصل تر شده و مقوله توصیف نیز به نثر اضافه شد و همه این موارد موجب ایجاد عنصر اطناب شد که وجه تمایز عمده نثر فنی نسبت به نثر دوره قبل یعنی نثرمرسل است . (صفا، ۱۳۷۰: صص ۳-۱۰، با تصرف و تلخیص)

اطناب در آثار این دوره در صنایع لفظی چون ترصیع ، ازدواج ، موازنه ، جناس مطابقه و ترادف و نیز صنایع معنوی نظیر تشبیه و استعاره و مجاز قابل بحث و بررسی است.

۱ - ترصیع ، ازدواج ، موازنه : این صنایع را در مقدمه چهار مقاله و در متن کلیله و دمنه می توان دید . در چهار مقاله : « و درود بر سید کونین که اکمل انبیاء بود و آفرین بر اهل بیت و اصحاب او که فضل اولیاء بودند ... که زندگیش بکام او باد و بیشتر از عالم بنا او باد ، و نظام ذریت آدم باهتمام او باد. » (نظامی عروضی، ۱۳۶۹: ص ۱) در کلیله دمنه :

« از رشک او رضوان انگشت غیرت گزیده و در نظاره ی او آسمان چشم حیرت گشاده .

بهر سو یکی آب دان چون گلاب شناور شده ماغ بر روی آب
چو زندگی که بستر ز جوشن کند چو هندو که آینه روشن کند »

(منشی، ۱۳۷۳: ص ۶۰).

۲ - سجع : کاربرد این صنعت از قرن پنجم و در دیباچه های متون آغاز شد بدین گونه که نثر نویسان در آثار این دوره کتاب خود را با مقدمه ای مسجع شروع می کردند ، حتی در کتابی چون سیاست نامه که دارای نثری ساده و روان است با این آرایه رو یا رو می شویم: «سپاس خدای عزوجل که آفریدگار زمین و آسمان است و روزی دهنده بندگان است و داننده ی آشکار و نهان است و آمرزنده ی گناهان است. » (نظام الملک، ۱۳۸۳: ص ۵۵)

در چهارمقاله :

«حمد و شکر و سپاس مرآن پادشاهی را که عالم عود و معاد را بتوسط ملائکه کروی و روحانی در وجود آورد و عالم کون و فساد را بتوسط آن عالم هست گردانید و بیاراست به امر و نهی انبیاء نگاه داشت به شمشیر و قلم ملوک و وزراء و...» (نظامی عروضی، ۱۳۶۶: ص ۱)

۳- مجاز : این صنعت در موارد زیر دیده می‌شود:

« مردمان را چه می‌خوانی و در خانه کفاف عیال موجود نه ! آخر هرگز از فردا نخواهی اندیشید و دل تو به فرزندان و اعقاب نخواهد نگریست ؟ » (منشی، ۱۳۷۳: ص ۱۷۱)

که در این مثال فردا به علاقه مجاورت و یا لازم و ملزوم بودن به جای آذوقه و غذا و فکر فردا و آینده ی فرزندان آمده است.

کتاب ترجمه ، تفسیر و رجال :

«یکی دیگر از ویژگی ها و خصوصیات این دوره تألیف کتب ترجمه ، رجال و تفسیر قرآن است . به دلیل بی سواد ی و عدم آشنایی مردم این دوره با معارف و آیات قرآن، نویسندگان تفسیر قرآن و تألیف زندگی نامه و سیره بزرگان دین و ترجمه کتابهای غیر فارسی (و عمدتاً عربی) را جهت آشنایی مردم با معارف و تعالیم قرآن و بزرگان دین و نیز علوم زمان خود ضروری دانستند.» (صفا، ۱۳۷۷: ص ۱۰۱-۹۴، با تصرف و تلخیص)

در این دوره تغییراتی در ویژگیهای دستوری نثر پارسی پدید آمد. برخی از این تغییرات عبارت است از :

۱ - به کار بردن فعل های مرکب ۲. - کاسته شدن از انواع افعال مقاربه و آغازی ۳. - از میان رفتن نشانه دوم و تأکید متمم و مفعول ها ، از جمله ی این تغییرات بود که در بخش های آینده به تفصیل شرح خواهد شد.»

نثر پارسی و چگونگی پیدایش آن :

بنابر شواهد موجود، پارسی میانه زبان رایج مردم ایران در زمان حکومت ساسانیان بود که امروزه به نام پهلوی و پهلوی ساسانی موسوم است. این زبان در دوره اسلامی تا مدتها زبان علمی، ادبی و دینی علما و دانشمندی بود که هنوز به دین پیشینیان خود ایمان داشتند. از این دوره تعدادی کتیبه باقی مانده، که کتیبه بیستون از آن جمله است. متأسفانه آثار باقی مانده از آن دوره آن قدر اندک است که نمی توان با استناد به آنها نظری قطعی پیرامون شیوه نگارش در آن عصر را صادر کرد، این موضوع موجب ایجاد نظرات فراوان و اغلب متفاوت در این مورد شده است. غیر از پارسی میانه «پهلوی» زبان دیگری به نام سریانی در میان ترسایان ایران به عنوان زبان علمی و دینی رواج داشت. به دلایل مختلف از جمله بدعتها و انحرافات وارد شده در دین زرتشت و نیز فساد موجود میان موبدان زرتشتی با ورود دین اسلام و پذیرش این دین از سوی مردم، این دو زبان (پارسی میانه و سریانی) که به غیر مسلمانان تعلق داشت از سوی ایرانیان تازه مسلمان شده مورد بی مهری قرار گرفت، از این رو آنان ترجیح دادند زبان دری را که از اختلاط زبان پهلوی (پارتی) با زبان مردم مداین و زبان پارسی میانه به وجود آمده بود به عنوان زبان رسمی خود برگزیده و با خط عربی نوشتنی های خود را بنویسند. مرحوم ذبیح الله صفا به استناد نوشته ابوریحان بیرونی در خصوص بهافرید پسر ماه فروذین و ماجرای او با ابومسلم و نیز آنچه که در کتابی به نام (السموم) منسوب به شاناق پزشک هندی آمده است اعتقاد دارد. نثر پارسی و پیدایش آن به اوایل نیمه اول یا اواخر نیمه دوم دوم قرن دوم هجری مربوط می شود. (صفا، ۱۳۷۰: ص ۵) حال آنکه اغلب علمای این رشته معتقدند شعر گفتن به زبان پارسی با توجه به آثاری که در دست است در اواسط قرن سوم هجری و نثر نویسی حدود یک قرن پس از آن آغاز گردیده است. از جمله اعراب تا تشکیل دولتهای نیمه مستقل و مستقل ایرانی یعنی حدود دو قرن و نیم، در مورد چگونگی انشاء مکتوبات اطلاع و مدرک درستی در دست نیست، دیوان مکاتبات و رسایل موجود از زمان تشکیل دولتهای ایرانی به عربی تبدیل شد و این امر تا اوایل قرن پنجم هجری رعایت شد تا آنجا که فرمان ها، نامه های سلطانیات و حتی مکاتبات رسمی دیوانی نیز به زبان عربی انشاء می شد. تا اینکه در دوره ی ابوالعباس فضل بن عباس اسفراینی صاحب دیوان بزرگ دربار

سلطان محمود این نوشته‌ها به فارسی تبدیل شد. نوشتن به خط عربی در حالی آغاز شد که آشنایی مردم به زبان عربی در حدّ عمل به فرائض دینی بود. (مانند نماز خواندن) بنا به روایت نرشخی در تاریخ بخارا، مردم در آغاز ورود به اسلام، نماز را نیز به فارسی می خواندند و پادشاهان نیز با زبان عربی آشنایی نداشتند. « و مردمان بخارا به اول اسلام در نماز قرآن به پارسی خواندندی، و عربی نتوانستندی آموختن و چون وقت رکوع شدی مردمی بودی که در پس ایشان بانگ زدی « بکنیتا نکینت » و چون سجده خواستندی کردن بانگ کردی » نکونیا نکونی» (نرشخی، ۱۳۶۳: ص ۶۷)

«شاهان این دوره شاعران و نویسندگان را مکلف می کردند که آثار نظم و نثر خود را به زبان فارسی بنویسند: به جز این آنان را به ترجمه ی آثار تاریخی و حتی تفسیر قرآن به زبان پارسی می گماشتند. همچنین آنان را به جمع آوری و تدوین روایات حماسی ایران تشویق می کردند. آشنایی برخی نویسندگان و شاعران این دوره به زبان پهلوی و وجود آثار باقی مانده از گذشته که به عنوان الگو مورد استفاده ی آنان قرار می گرفت و نیز علاقه مندی مردم ایران به فرهنگ، زبان و تاریخ خود تا مدت ها از ورود لغات و ترکیبات عربی به زبان پارسی جلوگیری کرد. این قاعده در نثر پارسی تا اوایل نیمه دوّم قرن پنجم ادامه داشت و جز برخی موارد اندک در اغلب آثار رعایت شد.» (صفا، ۱۳۷۰: ص ۱۵۱-۱۵۲ با تصرف و تلخیص)

بخش اول

دوره های نثر پارسی :

نثر پارسی در آغاز به دلیل ابتدایی بودن، ساده و بی تکلف و رها از هرگونه صنعت و آرایه ادبی به نگارش در می‌آمد. ایرانیان هر چه در زبان محاوره بیان می‌کردند، در نوشتار نیز می‌آوردند؛ لذا نوشته های آنان منعکس کننده و بیانگر زبان محاوره ای مردم آن دوره بود ، ولی با ورود اعراب و لغات و شیوه ی نگارش آنان به این سرزمین و تأثیر عوامل مختلف با گذشت زمان ، زبان پارسی دچار تغییراتی شد و این موضوع زبان و نثر پارسی را در مسیر حرکت به سوی کمال و پویایی قرار داد ، رفته رفته جملات نثر نویسندگان طولانی تر گردید و تفنّن و صنعت در نثر وارد شد؛ تا اینکه تاریخ زبان و ادب پارسی شاهد ظهور شیوه ای نو در نثر نویسی با عنوان نثر فنیّی بود . ولی به طور قطع این مهم مانند هر فرآیندی دیگر به یکباره صورت نگرفت . بلکه تحت تأثیر عوامل مختلف، در طول زمان به وجود آمد که در جای خود به بررسی هر یک از آنها خواهیم پرداخت . در تقسیم دوره های نثر پارسی به دلیل انتخاب ملاکهای مختلف در این تقسیمها سبک شناسان مراحل متفاوتی را ارائه کرده اند که عمده ترین آنها رعایت ملاکهای تاریخی ، موضوعی و سبکی در نگارش نثر آثار این دوره ها است . به نظر می رسد انتخاب شیوه ی نگارش این نویسندگان برای تقسیم نثر به دوره های مختلف بهترین و فنیّی ترین آنها باشد هرچند اگر این امر به طور دقیق رعایت شود دوره های بی شماری خواهیم داشت. « و علمای سبک شناسی در تقسیم و شناخت این دوره ها عمدتاً نحوه انشاء و نوع بیان نویسندگان را مبنا قرار داده اند . در صورتی که شیوه های انشاء نظم و نثر در یک زبان اگر به درستی مورد تحقیق قرار گیرد به شماره نویسندگان یا شاعرانی است که در آن زبان به ایجاد آثار خود پرداخته اند.» (صفا، ۱۳۷۰: ص ۲۳)

«براین اساس به طور اعمّ دوره های چهارگانه زیر را خواهیم داشت :

- ۱- دوره اول : نثر مرسل از قرن چهارم تا پایان نیمه اول قرن پنجم (۴۰۰ تا ۴۵۰ هجری حدود پنجاه سال)
- ۲- دوره دوم : نثر بینابین از نیمه دوم قرن پنجم تا پایان نیمه اول قرن ششم (۴۵۱ تا ۵۵۰ حدود ۱۰۰ سال)
- ۳- دوره سوم : نثر فنیّی از نیمه دوم قرن ششم تا اوایل قرن هفتم (۵۵۱ تا ۶۰۰ حدود ۵۰ سال)